

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تبعیضات نژادی!

«الافخر امری علی عجمی ولا

لمجهی علی عربی و لا لاسود علی احمر

ولا للاحمر علی اسود الا بالتقوی»

: آگاه باشید هیچگونه افتخاری عرب

بر عجم ندارد و نه عجم بر عرب، نه

سیاه پوست بر سرخ پوست و نه سرخ

پوست بر سیاه پوست، مگر بتقوی و

برهیز کاری.

پیغمبر اسلام (ص)

از جنوب آفریقا گرفته تا شمال آمریکا، و از عقب افتاده ترین ملل تا متمدن-

ترین آنها، امروز مبتلابین درد بزرگ اجتماعی یعنی تبعیضات نژادی هستند و هر

چند وقت یک مرتبه انفجاری در گوشه‌ای از جهان در این قسمت رخ میدهد.

لابد همه خوانندگان گرامی حوادث اسف انگیز جنوب آفریقا را شنیده‌اند

که چگونه دوسه میلیون سفیدپوست مهاجر برای اینکه ده دوازده میلیون سیاه پوست

بومی را برای همیشه بصورت برده و بنده خود نگه‌دارند جمعی را بکلواه بسته و عده‌ای

را بپاک و خون کشیدند تا دیگر هوس برابری با سفیدپوستان را در دل نپرورانند و

بیجهت فضولی نکنند؛ و بدون اجازه اربابان و داشتن «جواز عبور» حتی از این محله بمحله دیگر شهر نروند؛ این جریانی بود که در یکی از کشورهای باسلاح عقب افتاده روی داد.

چندی قبل هم یکی از خیر گزاریهای مهم این خیر رادردنیامنتشر کرد که: «در ریچموند آمریکادر حدود ۴۰ دانشجوی سیاه پوست که تظاهراتی برای بدست آوردن حقوق مساوی با دانشجویان سفید پوست کرده بودند دستگیر شدند» مگر این بیچاره‌ها چه تقاضای سنگینی داشتند؟ آری درخواست کرده بودند که «درناهار - خوری‌ها با آنها حقوق مساوی سفید پوستان داده شود» و آنها میخواستند مانند دانشجویان سفید پوست حق نشستن هنگام غذا خوردن داشته باشند و مجبور نباشند سر پا غذا بخورند».

در یازدهم اردیبهشت ماه سال گذشته نیز خبر حیرت انگیزتری در جرائد منتشر شد و آن اینکه «از دواج سفید پوستان و سیاه پوستان در ۲۶ ایالت امریکا (یعنی اکثر ایالات متحده) از جمله نیویورک (قلب دنیای متمدن) ممنوع است و این عمل جرم شناخته میشود».

در ۲۷ همان ماه خبر تأسف آور دیگری انتشار یافت که «دیک سیاه پوست ۳۲ ساله در لندن ۱ بضر بچاقو از پا درآمد. حمله کنندگان بسیاه پوست عده‌ای از جوانان لندن بودند که چندی قبل نیز بعهده‌ای از سیاه پوستان حمله کرده بودند» البته علت اصلی همه این حملات مسئله نژاد بود.

تصور نمیرود اگر در سایر کشورهای اروپا نیز چنین شرائطی وجود داشت نظیر این جریانات اتفاق نمیافتاد.

مطالعه اخبار فوق بخوبی میرساند که علی‌رغم تمام کوششهایی که برای آزادی و برابری در دنیای امروز میشود هنوز مسأله تبعیض‌های نژادی بصورت فوق‌العاده زنده‌ای در بسیاری از نقاط جهان تعقیب میشود و صحنه‌های اسف انگیزی بوجود می‌آید که قطع نظر از تعلیمات مذهبی و اخلاقی برای هر کس که دارای احساسات

انسانی است دردناک میباشد. باید اعتراف کرد که دنیای کنونی یعنی دنیای دم از حمایت حیوانات میزند، دنیای که بفکر تسخیر آسمانها و دست یافتن بر کرات دیگر افتاده، از حل این مسأله ساده که از مسائل ابتدائی تشکیل يك اجتماع انسانی واقعی محسوب میشود عاجز مانده است!

این موضوع تعجب آور است که برای حل بحرانهای نژادی بمجامع بین المللی متوسل میشوند، گرچه تا حدی حق با آنهاست. چون مرجع و پناهگاه دیگری سراغ ندارند.

ولی آیا میتوان باور کرد مجمعی که بسیاری از اعضاء مؤثر آن خودشان مبتلا باین دردند و با اصلاح جزء «رطب خورده ها» محسوب میشوند میتواند اقدام مثبتی در این باره کند؛ البته ممکن است اقدامات تشریفاتی انجام یابد اما بحث در اینست که تا چه اندازه مؤثر خواهد شد و چقدر دوام خواهد یافت؟

* * *

از اصل مطالب دور نرویم خوبست کمی بیشتر درباره بالای تبعیض نژادی که دنیای مادی امروز بآن گرفتار است دقت کنیم و سرچشمه این بدبختی را بیابیم؛ شاید با کشف آن براه حلی پیدا شود.

چرا سفید پوستان حاضر نیستند با سیاه پوستان حقوق مساوی داشته باشند، در مدارس، کارگاهها؛ قوانین مربوط بازدواج، مقررات عبور و مرور در شهرها، ... همه یکسان باشند و برادر وار باهم تشریک مساعی کنند ازیر اخودشانرا نوع شریفتر و ممتازتری میدانند، و هیچ عقلی حکم نمی کند که دو نوع مختلف شریف و پست در همه چیز باهم برابر باشند.

آنها میگویند: مگر میزان شرافت و شخصیت انسان چیست؟ اگر داشتن يك جسم سفید و لطیف است مسلماً از این نظر ما شریفتریم؛ اگر فکر و هوش سرشار است، بدون شك نژاد سفید فکورتر و با هوش تر از نژاد سیاه است؛ اگر ترقی صنعت و تمدن جدید است، بطور قطع سفید پوستان در صنعت و تمدن پیشقدم ترند، اگر

ثروت است ، یقیناً پول و ثروت سفیدپوستان رویهمرفته به مراتب زیاد تر از سیاه -
پوستان است ، اگر حکومت و سیاست است جای تردید نیست که سفیدها سیستم های
حکومتی مجهز تر و سیاستهای نیرومندتری دارند ، اگر سابقه تاریخی است
مطامناً سفیدپوستان سوابق تاریخی درخشانتری دارند . . . اگر هم بگوئید چیز
دیگری بنام «انسانیت» است ما چیز دیگری جز آنچه گفته شد سراغ نداریم !

اگر بحث از این راهها دنبال شود ، مثل اینکه حق با سفیدهاست ؛ و سیاهان
بحکم اینکه سیاه و بدمنظر و کم فکر تر و تهی دست ترند باید هرگز تخم هوس برابری
با سفیدها را در دل نکارند و تا ابد برده و خدمتکار باشند ، همانطور که در طبیعت هم انواع
ضعیفتر و پست تر ، خدمتکار انواع نیرومندترند بلکه فدای آنها میشوند . ولی آیا با
همه این فلسفه چینپها هیچ وجدان سالمی حاضر است بر این تبعیضات و اجحافات نژادی
صحه بگذارد ؟ پس معلوم میشود مطلب دیگری در کار است .

بنابر این چه باید کرد ، باید شخصیت انسانرا در جای دیگری جستجو کرد ،
در چیزی که تمام نژادها در آن برابری دارند و میدان فعالیت در آن برای همه علی السویه
باز است .

تا اینجا تا حدودی موفق به کشف عوامل اصلی این بلای اجتماعی شدیم ؛ اکنون
برای دریافتن راه حل واقعی خوبست این نکته را هم بخاطر بیاوریم که : « اسلام »
در میان اقوامی توسعه پیدا کرد که نه تنها در نژاد ، بلکه در هیچ چیز ، اهم از
زبان ، ملیت ، طرز فکر ، طرز اقتصاد ، موقعیت جغرافیائی و سوابق تاریخی و ...
با هم شباهت نداشتند ؛ در عین حال « مسأله نژاد » را در هزار و سیصد سال
قبل بخوبی حل کرد و بوسیله تعلیمات عالییه خود همه را زیر یک پرچم مقدس جمع
نمود .

در میان تمام احکام و دستورات دامنہ دار اسلام حتی برای نمونه یک حکم
پیدا نمی کنید که بر اساس اختلاف نژادها قرار داشته باشد و قابل توجه اینکه

این قوانین بدون عکس العمل و مقاومت منفی در سراسر دنیای اسلام و در میان عموم تژادهائی که در قلمرو کشورهای پهناور اسلامی بودند اجراء میشد .

همه با هم در يك صنف بنمازمیایستادند و بر سر يك سفره می نشستند و از بیت - المال مسلمانان بطور مساوی بهره مند میشدند ؛ همه میدانیم مؤذن پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله يك سیاه پوست حبشی بنام « بلال » بود که همیشه وقت نماز را بوسیله « اذان » اعلام کرده و مسلمانان را بمسجد دعوت مینمود و از بسیاری از افراد عادی هم محترمتر بود و کسی هم اعتراض باین قسمت نداشت .

سر تمام این مطالب يك نکته بود و آن اینکه اسلام مقیاس شخصیت انسان را فقط فقط « ایمان و تقوی و ملکات فاضله انسانی » میداند و بس ، شکی نیست که از این نظر هیچگونه فرقی میان تژادها و زبانها نیست .

قرآن با صدای رسا میگوید : **یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقاکم -** سوره حجرات - آیه ۱۴ : « ای مردم ! ما تمامی شما را از یک پدر و مادر آفریدیم و شما را ملتها و قبائل مختلف قرار دادیم تا شناخته شوید (و اینگونه اختلافات دلیلی بر تفاوت شخصیت شما نیست) کرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست .

اگر دنیای امروز هم بخواهد ریشه اینگونه اختلافات ضد انسانی را بسوزاند راهی جز این ندارد که از برنامه های آسمانی پیغمبران خدا الهام گرفته و محور شخصیت انسان را « ایمان و اخلاق » قرار دهد . تعلیمات آسمانی اسلام میگوید ، ما همه بندگان یک خدا و فرزندان یک پدر و مادریم ، همه با هم برادر و همه با هم برابریم و ارزش وجودی ما مربوط بر ننگ پوست بدن و زبان و قیافه و چهره و ثروت ما نیست مربوط بانسانیت است آنهم فقط در سایه ایمان و تقوی پرورش می یابد .